

مجموعه آموزه های کتاب مقدس

در محضر تخت خدا

بررسی باب ۴ از کتاب مکاشفه
در خصوص ۴ موجود بالای تخت

نویسنده: لوک رایان



مجموعه آموزه‌های کتاب مقدس

در محضر تخت خدا

بررسی باب ۴ از کتاب مکاشفه
در خصوص ۴ موجود بالای تخت

نویسنده: لوك رایان



انجمن تحقیقات کتاب مقدس رایان



انتشارات کلیسای خداوند عیسی مسیح

به نام خدای خدایان، پادشاه پادشاهان، خدای قدیر، خدای مشیر، پدر سرمدی، سرور
سلامتی، الف و یاء، ابتدا و انتها، اوّل و آخر، او که بود و هست و می آید.
* به نام خداوند عیسی مسیح *

در باب چهارم کتاب مکاشفه توصیفی از تخت خدا در آسمان و محیط پیرامون
آن ارائه گردیده، که علاوه بر اهمّیت آن چه در پیرامون تخت می باشد و باید مکشوف
گردد، تا حدودی برداشتهای نسبتاً اشتباهی نیز از آنها شده که باب تعلیم بعضی از کلیساها
شده است.

خصوصاً در مورد چهار حیوانی که با صورتهایی به شباهت: شیر، گوساله، انسان و
عقاب می باشند. جماعت بسیاری از کلیساها، با تفاسیری که ارائه می کنند این موجودات
را نماد چهار اناجیل: متی، مرقس، لوقا و یوحنا می دانند. در این نوشتار برای روشن شدن
موضوع قصد داریم تا به این باب از کتاب مکاشفه کمی دقیق تر نگاه کنیم.

«بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اوّل را که
شنیده بودم که چون کرنا با من سخن می گفت، دیگر باره می گوید: به این جا صعود نما
تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم. ^۲فی الفور در روح شدم و دیدم که
تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای. ^۳و آن نشیننده، در صورت، مانند
سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرّد دارد»
(مکاشفه ۴ : ۱ - ۳).

یوحنا برای این که بتواند آینده را ببیند می بایست به آسمان صعود می کرد؛ یوحنا
در واقع و در جسم به آسمان صعود نکرد؛ این دروازه‌ای از رؤیا است؛ آن گونه که همه انبیا
نبوتها را می دیدند؛ اما کتاب مکاشفه با بیان این که «به این جا صعود نما تا اموری را که
بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.» می خواسته که یک درس بزرگ به کلیسا بدهد!
آن چیست؟

مکاشفه را فقط می‌توان در روح نبوتی و از منظرگاه آسمانی دریافت نمود. مکاشفه رازی است که حسب دانش و تحقیق و مطالعه به دست نمی‌آید، مکاشفه فقط از بالا به کسی که در روح قرار گیرد داده می‌شود. لذا یوحنا نیز برای آن که مکاشفه را دریافت کند، فوراً در روح به آسمان صعود نمود و از منظرگاه خدا شاهد وقایع شد: «آفی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای.» تمام انبیا به همین گونه دریافت می‌کردند. در روح؛ نه حسب دانش الهیاتی؛ نه حسب شاگردی؛ نه حسب هوش و ذکاوت؛ این اکتسابی نیست بلکه عطا شدنی است.

یوحنا در پیشگاه تخت خدا در آسمان، چیزهای عجیبی را می‌بیند؛ آن دیده‌ها نقشه‌های بسیار مهمی به عنوان ملاک سنجش برای برگزیدگان و شهادت دادن به آنها می‌باشند.

بیست و چهار پیر:

اولین مورد از موارد معیار سنجش که می‌تواند به هر کس شهادت داده و او را قضاوت کند بیست و چهار پیر ذکر شده در آیه چهارم است که در گرداگرد تخت نشسته‌اند: «و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تختها بیست و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین» (مکاشفه ۴ : ۴). این بیست و چهار پیر چه کسانی هستند؟

اول از همه این نکته بسیار مهم را در تمام طول مکاشفه، پیوسته در نظر داشته باشید؛ شما با یک کتاب نبوتی که تماماً در ایهام و تمثیل است مواجه می‌باشید، یعنی تمام وقایع و شخصیت‌های در این قبیل دریافتها، نمادین و ترسیمی روحانی از مفاهیم حقیقی هستند.

حال آیه چهارم می گوید بیست و چهار "پیر" بودند. پیر بودن آنها به انسان بودنشان اشاره دارد زیرا این انسانها هستند که در گذر زمان پیر می شوند نه فرشتگان، فرشتگان پیری ندارند. پس این نمادی از فرشتگان آسمانی نیست بلکه نمادی از انسانهایی زمینی است.

از سویی دیگر پیر نشان دادنشان می تواند دو مفهوم را به ما برساند: اول آن که این پیران متعلق به گذشته می باشند، نه به آینده ای که می بایست بیاید. و دوم این که می تواند نماد بزرگی و شیخوخت بر جماعتی باشد؛ به عبارتی پیران و ریش سفیدان قوم و جماعتی باشند.

حال این پیران که در محضر خدا جلوس نموده اند چه کسانی هستند؟ نشستن آنان نشان بر وزارت آنان و جایگاه رفیع آنان در نزد خدا دارد. نوع نشستن آنان می تواند به شناساندن آنان کمک کند. آنان به صورت دایره وار در گرداگرد خدا نشسته اند، مانند یک میزگرد که از هر جهت تخت خدا به نگاه کردن شروع کنی به سمت دیگر تخت خدا ختم می شود. به عبارتی از چپ و راست که بشماري تا به رو به روی تخت خداوند به دو گروه دوازده نفری تقسیم شده اند. در کجای کتاب مقدس می توان گروه های دوازده نفره دید که منظور و مفهومی در پیشگاه خداوند داشته اند؟ در کل کتاب مقدس فقط دو گروه دوازده نفره که منظور خدا بوده اند وجود دارد.

اولین دوازده نفر، دوازده فرزند یعقوب، یا به عبارت صحیح تر دوازده سبط اسرائیل در عهد عتیق می باشند که برگزیدگان خدا و دارای جایگاه ویژه ای بوده اند و هر جا خیمه خداوند بوده، این دوازده سبط در گرداگرد تخت رحمت خدا که در خیمه خدا قرار داشت، ساکن بودند. این دوازده سبط اسرائیل، مکاشفه دوازده سنگ مذبح قربانی در عهد عتیق نیز بودند که قربانی مقبول بر آن قرار و به حضور خدا گذرانده می شد.

مذبح قربانی در عهد عتیق بر روی دوازده سنگ نتراشیده بنا می‌شد که نمادی از دوازده سبط اسرائیل بوده است. و همچنین نمادی از دوازده دروازه شهر آسمانی بودند. حسب کتاب مقدس، ابراهیم و اسحاق و یعقوب به عنوان پدران قوم محسوب می‌شدند، و متعاقباً دوازده سبط اسرائیل از یعقوب، پیران و مشایخ اسرائیل محسوب می‌گردند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که دوازده تن از آن بیست و چهار پیر، نماد دوازده سبط اسرائیل باید بوده باشند که همیشه در گرداگرد تخت خدا در زمین ساکن بوده‌اند. این دوازده سبط اسرائیل در عهد نخست خدا، دارندگان کلام خدا و در پیشگاه او در عهد عتیق بودند، تنها دروازه‌های ورود به شهر آسمانی و پذیرفته شدن به پیشگاه خدا. دوازده پیر از آن بیست و چهار نماد این دوازده سبط و مذبح خدا در عهد نخست بودند.

اما آن دوازده پیر دیگر کدامها هستند؟ فقط دوازده تن دیگر می‌باشند که تماماً دارای چنین شرایطی هستند. در عهد جدید خدا، دوازده رسول برگزیده مسیح می‌باشند که کلیسای خداوند بر بنیاد نهاده شده بر روی آنان شکل گرفته. پولس رسول در این خصوص می‌گوید: «^{۲۰} و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید، که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است.^{۲۱} که در وی تمامی عمارت با هم مرتب شده، به هیکل مقدس در خداوند نمو می‌کند.^{۲۲} و در وی شما نیز با هم بنا کرده می‌شوید تا در روح مسکن خدا شوید» (افسیسیان ۲: ۲۰ - ۲۲).

آن دوازده سنگ مذبح که در عهد عتیق به تعداد و نشانه دوازده سبط اسرائیل بوده، در عهد جدید به نشانه دوازده رسول اولیّه خداوند نیز بوده که کلام خدا توسط آنان منتشر و به آسمان خدا معرفی می‌گردد. هر بنیادی در مسیحیت خارج از آموزه‌های رسولان مسیح باطل و رد شده می‌باشد. این رسولان در طول خدمت مسیح، هر کجا که او بوده در گرداگرد وی با او همراه بودند.

آیا به یاد می‌آورید که خداوند عیسی مسیح در شام آخر به این رسولان چه گفت؟ «^{۲۸} و شما کسانی می‌باشید که در امتحانهای من با من به سر بردید.^{۲۹} و من ملکوتی برای

شما قرار می‌دهم چنان که پدرم برای من مقرر فرمود،^{۳۰} تا در ملکوت من از خوان من بخورید و بنوشید و بر کرسیها نشسته بر دوازده سبط اسرائیل داوری کنید» (لوقا ۲۲ : ۲۸ - ۳۰).

دوازده رسولانِ خداوند، همان سنگهای مذبح عهد جدید هستند، که تنها کلیسای قرار گرفته شده بر روی آموزه و شهادت آنان، پذیرفته خداوند و به ملکوت آسمان راه می‌یابند. اینان همان نماد دوازده دروازه شهر آسمانی نیز می‌باشند که دروازه ورودی بسیاری به ملکوت خدا می‌باشند. آن دوازده پیر دیگر نماد دوازده رسول ابتدایی خداوند عیسی مسیح می‌باشند.

دوازده پیر از بیست و چهار، نماد کلیسای خدا در عهد عتیق؛ و دوازده پیر دیگر، نماد کلیسای خداوند در عهد جدید می‌باشند که با خدا در نزد او و بر کرسی نشسته‌اند.

اما این صحنه چرا به یوحنا نشان داده شد؟ چرا در ابتدا و قبل از شروع به تصویر کشیدن آینده، خداوند این صحنه را نشان می‌دهد؟ قطعاً و بدون شک بی‌دلیل نیست و فهم این موضوع از اهمیت بسیار بالایی باید برخوردار باشد که در ابتدا نشان داده شده.

وقتی به اهمیت جایگاه هر یک از این دوازده در عهد عتیق و عهد جدید نگاه کنید، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نکته‌ای که می‌یابید این است که: "در عهد عتیق هیچ قومی بر روی زمین، کلام خدا را نداشت، برگزیده او نبود، مورد تأیید و نجات خدا را نداشت؛ و در عهد جدید نیز هیچ کلیسایی که بر بنیاد رسولان و آموزه‌های آنان بنا نشده باشد، کلام خدا را ندارد، برگزیده او نیست، مورد تأیید و نجات خدا را ندارد. همان گونه که در عهد عتیق سایر اقوام رد شده و باطل بودند، در عهد جدید نیز تمام فرقه‌ها رد شده و باطل می‌باشند."

این بیست و چهار پیر که در گرداگرد تخت خدا بر کرسی نشسته‌اند برای شهادت دادن بر کسانی هستند که بر بنیاد آنان قرار گرفته‌اند. اینان ملاک سنجش، شهادت دهنده،

و دوازده سنگ مذبح مقدس خدا در دو عهد، عتیق و جدید هستند که بر حسب کلام خدا بنا شده‌اند. و حال در مکاشفه باب چهارم به مانند بیست و چهار پیر نشان داده شده‌اند.

در باب چهارم مکاشفه، در ابتدای آغاز وقایع آینده، خدا جایگاه و معیارهای خود را دارد به تصویر می‌کشد. این تصویری از معیارهای سنجش خدا است. این یک هشدار بسیار جدی برای تمام کلیساهای دنیا است که خوب ببینند کجا و بر چه مذهبی قرار گرفته‌اند! شما مسیحیان، وقتی به این جای کلام می‌رسید باید با دقت نگاه کنید که آیا تأیید آن دوازده پیر عهد خود را دارید؟ آیا بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید؟

اما این را بدانید، تنها این پیران نیستند که می‌بایست بر شما شهادت بدهند! در ادامه همین باب به معیارهای سنجش دیگری هم بر می‌خوریم که می‌بایست از فیلتر گزینش آنان نیز عبور کرد. خداوند پیش از شروع مکاشفات آینده، در ابتدا معیارهای برگزیدگی را به تصویر کشیده و به همراه وقایع آینده، در نامه‌ای به هفت کلیسای منتخب خود برای رسولانش که وکلای اسرار او می‌باشند می‌فرستد.

محال ممکن است این اسرار برای رسولان کلیسا مخفی بوده باشد، زیرا به آنان داده شد تا کلیسا را بیدار و هوشیار از لغزش نگه دارند. وقایع مکاشفه همیشه برای رسولانی که به نوبت در هر یک از این هفت کلیسا آمده‌اند باید مکشوف شده باشد. اگر امروزه بسیاری از کلیساها در گمراهی و خطا قرار دارند، به آن جهت است که بر بنیاد کلیسای خداوند عیسی مسیح نهاده نشده‌اند و در آنان رسولی از غلامان خداوند و خدام مسح شده آسمانی وجود ندارد.

آن هفت کلیسای در آسیا که دریافت کنندۀ نامه‌های خداوند بودند، تنها کلیساهای برگزیده خداوند بودند که در تمام طول تاریخ تا به امروز پیش آمده‌اند و تنها کلیساهایی می‌باشند که با تمام اُفت و خیزهای خود، کلام خدا را همچنان باید داشته باشند. فقط باید کوشید این کلیساها را یافت.

هفت روح خدا:

«^۵و از تخت، برقها و صداها و رعداها بر می آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا می باشند» (مکاشفه ۴ : ۵). در این آیه دو موضوع مهم گفته شده. اوّل آن که از تخت برقها یعنی نور افشانی و صداها و رعداها بلند است. این یعنی چه؟

می دانیم این تخت خدا است و تنها او بر روی آن نشسته است «^۲... و بر آن تخت نشیننده ای.^۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد.» پس نتیجه می گیریم که همه این جلوه ها از سوی خدا است.

او پدر نورها است. او از ابتدا روشنایی را پسند نمود و در آن ساکن شد: «^{۱۶}که تنها لایموت و ساکن در نوری است که نزدیک آن نتوان شد و احدی از انسان او را ندیده و نمی تواند دید. او را تا ابدالآباد اکرام و قدرت باد. آمین» (اوّل تیموتاؤس ۶ : ۱۶). در زمان حضورش صدای او مانند صدای آبهای خروشان بسیار است: «^۲و اینک جلال خدای اسرائیل از طرف مشرق آمد و آواز او مثل صدای آبهای بسیار بود و زمین از جلال او منور گردید» (حزقیال ۴۳ : ۲). و حال او بر تخت نشسته و قصد مکشوف نمودن آینده را دارد.

اما موضوع دوم که در آیه پنجم گفته شده، به هفت چراغ آتشین اشاره می کند که در پیش روی تخت شعله ور است. خود آیه واضحاً می گوید که این هفت چراغ آتشین هفت روح خدا هستند. به عبارتی هفت چراغدان مساوی است با هفت روح خدا، یا به عبارتی دیگر روح خدا در هفت چراغدان فروغ دارد. حال این هفت چراغدان به چه معنی است؟

خود خداوند عیسی مسیح در آیه بیستم از باب اول مکاشفه، این را برای یوحنا آشکار می‌کند: «^{۲۰}... هفت چراغدان، هفت کلیسا می‌باشند.» با این سخن خداوند معما حل شد. هفت روح، و هفت چراغ آتشین، تصویری تمثیل گونه از هفت کلیسای برگزیده خدا در همه اعصار است که آنان را مخاطب ساخته.

این هفت کلیسای منور به روح خدا، کلیساهایی هستند که روح القدس در آنها سکونت دارد و آنان را با خدمتی رسولانی به پیش می‌برد. دومین معیار سنجش و داوری خدا برای مسیحیان، بودن در کلیسای برگزیده او است. این هفت کلیسا، کلیسای خداوند عیسی مسیح هستند که بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اند و پیوسته در حضور خدا فروزان هستند.

هر ایماندار مسیحی، در هر کجای دنیا، برای پذیرفته شدن در نزد خدا، می‌بایست در یکی از این هفت کلیسای برگزیده خداوند عیسی مسیح قرار بگیرد. این هفت کلیسا در حقیقت همان یک کلیسای خداوند عیسی مسیح است، که به لحاظ شرایط ویژه‌ای که در هر منطقه گریبان مسیحیان آن منطقه را می‌گیرد دستخوش تلاطم و رفتارهای متفاوتی از یک دیگر می‌شوند. در میان تمام کلیساهایی که در چنین ناهنجاریهایی دستخوش التهاباتی می‌گردند، فقط هفت از آنها همچنان برگزیده خداوند خواهند ماند که در سه باب اول مکاشفه از آنها نام برده شده. اما همه این هفت کلیسا که در حقیقت همان یک کلیسای مسیح می‌باشند، زیر خدمت رسولان و خادمین مسح شده، و حضور قدرتمند روح القدس می‌باشند. کلیسای خداوند را به این نشانه‌ها می‌توان شناخت.

کلیسای برگزیده خداوند حسب دانش الهیاتی شناخته و تأیید نمی‌گردد؛ حسب ثروت و دارایی و امکانات بسیار شناخته و تأیید نمی‌گردد؛ حسب شهرت و نام و آوازه شناخته و تأیید نمی‌گردد؛ حسب گستره فعالیت‌های تبلیغی و جذب اعضای بسیار شناخته و تأیید نمی‌گردد؛

کلیسای برگزیده بر بنیاد رسولان و انبیا و تأیید روح القدس شناخته می‌شود، حتی اگر یک کلیسای گمنام و فقیر و بسیار کوچک باشد. این روح القدس است که کلیسای خداوند را تأیید و با آیات و نشانه‌ها معرفی می‌کند.

هر ایماندار مسیحی باید بکوشد که کلیسای خداوند را بشناسد و به آن داخل شود. زیرا در ملکوت آسمان کلیسای خداوند که پیش روی خدا افروخته است به سالکین خود شهادت می‌دهد.

چهار حیوان:

«و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند.^۷ و حیوان اول مانند شیر بود؛ و حیوان دوم مانند گوساله؛ و حیوان سوم صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده» (مکاشفه ۴ : ۶ - ۷).

در کتاب مقدس ترجمه کینگ جیمز عبارت (Beast) آورده شده، و در نسخه استاندارد آمریکا (ASV) عبارت (Living Creature) به معنی "موجود زنده" آمده، ولی در ترجمه لفظ به لفظ قدیم پارسی به "حیوان" ترجمه شده است. در صورت ظاهر با توجه به برداشتهایی که امروز در نزد فارسی زبانان است این دو عبارت معانی مختلفی دارد، اما در حقیقت، در ادبیات کهن پارسی که تأثیر بسیاری بر مفاهیم منطقی و عرفان و حتی فلسفی مشرق زمین دارد، تفاوتی در معنی حیوان و موجود نمی‌کند.

محمد پادشاه متخلص به "شاد" در فرهنگ خود به نام آندراج، که یکی از کامل‌ترین و منظم‌ترین فرهنگهای زبان پارسی عصر خود می‌باشد، آورده است: در حواشی

بعضی از کتب منطق آمده که حیوان به تحریک، به معنی "حیات" است و به فتحه اول و سکون ثانی صفت مشبیه است.

محمد غیاث‌الدین بن جلال‌الدین رامپوری در فرهنگ لغت "غیاث‌اللغات" توضیحی کمی واضح‌تر ارائه می‌کند؛ او حیوان را به "زنده بودن" معنی نموده. در سایر فرهنگها هم چیزی مشابه اینها خواهید یافت.

در علم منطق نیز به هر موجود زنده‌ای که دارای روح ذی‌حیات باشد حیوان گفته می‌شود، حتی انسان را نیز با عنوان حیوان ناطق می‌شناسند. از این روی مترجمین قدیم کتاب مقدس، به لحاظ دانش ادبی رایج در زمان خود از عبارت "حیوان" که نشانه کمال ادبی آن زمان بوده به جای عبارت "موجود" که امروزی‌تر است استفاده نموده‌اند. اما در مفهوم کلی می‌توان چنین گفت که این چهار حیوان یا همان چهار موجود می‌توانند حتی فرشتگان آسمانی باشند که دارای روح ذی‌حیات می‌باشند، ولی قطعاً منظور انسان یا هر چیز دیگری نیست.

از آن جایی که عادت دارم همیشه از ترجمه لفظ به لفظ قدیم در نوشته‌هایم استفاده کنم، لازم بود تا این نکته را یادآوری کنم. در ادامه با همان عبارت حیوان در کتاب مقدس به پیش می‌رویم، اما بدانید منظور در این آیات فرشته است که کمی جلوتر این را اثبات خواهم نمود.

«^۸و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید.^۹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت نشینی که تا ابدالآباد زنده است می‌خوانند،^{۱۰} آنگاه آن بیست و چهار پیر می‌افتند در حضور آن تخت نشین و او را که تا ابدالآباد زنده است عبادت می‌کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، می‌گویند،^{۱۱} ای خداوند، مستحقّی که جلال و اکرام و قوّت را بیایی، زیرا که

تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند» (مکاشفه ۴ : ۸ - ۱۱).

سومین ملاک سنجش و شهادت دهنده در نزد تخت خدا، به شباهت چهار حیوان با صورتهای: شیر، گوساله، انسان، و عقاب نشان داده شده‌اند. اما آنان از پس و پیش پر شده‌اند از چشمهای بسیار که همه چیز را در هر سویی تحت نظر دارند. علاوه بر آن دارای شش بال می‌باشند و پیوسته در پیشگاه تخت خدا، «... از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید» باز نمی‌ایستند. و وقتی این را می‌گویند تمام آن بیست و چهار پیر بر زمین افتاده و تاجهای خود را پیش تخت خدا می‌اندازند و شروع به جلال و تکریم و شکرگزاری می‌کنند.

این چهار حیوان چه هستند؟ حسب تعلیم کلیساهای پیغامی این چهار حیوان را چهار اناجیل می‌دانند و چنین تعلیم می‌دهند که حیوان اوّل که به شباهت شیر است، به منظور انجیل متّی می‌باشد از آن روی که متّی انجیل خود را برای قوم اسرائیل نوشته که نمادش شیر است؛ حیوان دوّم که به شباهت گوساله می‌باشد به معنی انجیل مرقس است، از آن روی که مرقس به برّه بودن و معجزات و کشته شدن مسیح بیشتر اشاره کرده؛ حیوان سوّم که به شباهت چهره انسان است، انجیل لوقا می‌باشد به آن جهت که لوقا انجیل خود را برای غیر یهودیان نوشته و به وجه پسر انسان یعنی نبی بودن مسیح بیشتر اشاره دارد؛ و حیوان چهارم که چهره‌ای به شباهت عقاب دارد، انجیل یوحنا است، زیرا یوحنا به وجه پسر خدا بودن مسیح بیشتر اشاره دارد و با دیدی آسمانی به مسیح نگاه کرده و او را معرفی می‌کند.

در ظاهر این تشبیه بسیار زیبا است، اما کاملاً اشتباه می‌باشد. در این تشبیهات چندین ایراد وارد است.

۱. اناجیل همه از کارها، مرگ و قیام عیسی مسیح، به میزان آن چه حقیقت امر بود سخن گفته‌اند و در خصوص آن افسانه‌سرایی نکردند که بخواهیم تفاوت در نوع کشته شدن و قیام او ببینیم و تعاریف متفاوتی از آنها ارائه نماییم، خصوصاً در سه انجیل متی و مرقس و لوقا که بسیار هم نظر می‌باشند تفاوتی نمی‌توان یافت که مثلاً یکی را به شیر، یکی را به گوساله و یکی را به انسان تشبیه کنیم.

۲. اگر نظر آنان در خصوص انجیل مرقس درست بوده، پس می‌بایست آن حیوان دوم به شباهت برّه می‌بود نه گوساله، چون گوساله مانند برّه مطیع و مظلوم نیست. برّه در فرهنگ کتاب مقدس تعاریف و نمادهای بیشتری از گوساله دارد که فقط بر روی مذبح قرار می‌گرفت.

۳. در باب ششم می‌خوانیم که با گشوده شدن مهرها سوارکارانی ظاهر می‌شوند و متعاقباً به نوبت یکی از این چهار حیوان ندا می‌کند. ندای این چهار موجود را به مثابه نبرد با آن سوارکاران می‌دانند! در صورتی که کتاب مقدس می‌گوید که با هر سوارکاری که ظاهر می‌شود، یکی از آن چهار حیوان، تنها فراخوان به دیدن آن صحنه می‌کند، نه هیچ کار دیگری. از منظری دیگر آیا در دوره هر یک از سوارکارها فقط یکی از اناجیل کاربرد دارد که به صدا می‌آید و مابقی اناجیل بی‌مصرف است؟! این بسیار عجیب است!

باز می‌توان دلایل دیگری برای رد نمودن این فرضیه ارائه داد ولی به همین میزان بسنده می‌کنیم. حال می‌خواهم نظر شما را به باب ششم کتاب اشعیا جلب کنم که می‌تواند در خصوص شناساندن این چهار حیوان بیشتر از هر فرضیه تخیلی دیگر به ما کمک کند.

«در سالی که عزّیا پادشاه مرد، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود، و هیکل از دامنهای وی پر بود.^۲ و سرافین بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت و با دو از آنها روی خود را می‌پوشانید و با دو پایهای خود را می‌پوشانید

و با دو پرواز می‌نمود.^۳ و یکی دیگری را صدا زده، می‌گفت: قدّوس قدّوس قدّوس یهوه صوّأت، تمامی زمین از جلال او مملو است.^۴ و اساس آستانه از آواز او که صدا می‌زد می‌لرزید و خانه از دود پر شد.^۵ پس گفتم: وای بر من که هلاک شده‌ام زیرا که مرد ناپاک لب هستم و در میان قوم ناپاک لب ساکنم و چشمانم یهوه صوّأت پادشاه را دیده است.^۶ آنگاه یکی از سرافین نزد من پرید و در دست خود اخگری که با انبر از روی مذبح گرفته بود، داشت.^۷ و آن را بر دهانم گذارده، گفت که اینک این لبهایت را لمس کرده است و عصیان رفیع شده و گناهت کفّاره گشته است» (اشعیا ۶ : ۱ - ۷). کتاب اشعیا تنها جایی از عهد عتیق است که از فرشتگان سرافین به ما نشانه می‌دهد.

"سرافین" به معنی سوزان، آتشین؛ فرشتگانی هستند که در بالای تخت خداوند ایستاده و آمادۀ خدمت به او هستند، سرافین شش بال دارند، آنان از سرایندگان قدّوسیت و جلال خداوند می‌باشند و کسانی را که در موقعیت حضور در جلو تخت خداوند قرار می‌گیرند را حمایت و تقویت کرده و گناهان آنان را با اخگر آتشین می‌سوزانند.

امکان ندارد پیش تخت خداوند کسی یا کسانی بایستند و فرشتگان سرافین بر روی تخت حضور نداشته باشند. یوحنا نیز همان چیزی را دید که اشعیا دیده بود. اگر این چهار حیوانی که از آنها یاد شده، به غیر از سرافین بوده باشد، حتماً یوحنا می‌بایست به فرشتگان سرافین، به غیر از این چهار حیوان در آن جا اشاره می‌کرد.

حال دوباره به آیات باب چهارم مکاشفه دقت کنید: «^۸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید.^۹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت نشینی که تا ابدالآباد زنده است می‌خوانند،^{۱۰} آنگاه آن بیست و چهار پیر می‌افتند در حضور آن تخت نشین و او را که تا ابدالآباد زنده است عبادت می‌کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، می

گویند،^{۱۱} ای خداوند، مستحقّی که جلال و اکرام و قوّت را بیابی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند» (مکاشفه ۴ : ۸ - ۱۱).

این چهار حیوان دقیقاً کارهایی را می‌کردند که فرشتگان سرافین یاد شده در کتاب اشعیا انجام می‌دادند. فقط در مکاشفه توصیف ظاهری بیشتری از آنان ارائه گردیده. اما چرا در مکاشفه به چهره این چهار فرشته به شکل شیر، گوساله، انسان، و عقاب تأکید شده؟ راز آن در باب ششم مکاشفه و به هنگام گشوده شدن مهرها آشکار می‌شود.

باب پنجم مکاشفه متصل کننده باب چهارم به باب ششم می‌باشد و از باب ششم به بعد، وقایع شروع به روایت آینده، بعد از یوحنا می‌کند. صحنه‌ها در یک سیر توالی پشت سر هم ظاهر می‌گردد و یک خط زمان مستقیم به پیش می‌رود.

با گذشت هر اتفاقی، دیگر کتاب مجدداً در خصوص آن از زاویه دیگر سخن نمی‌گوید و وقایع را همان گونه به پیش می‌برد تا به انتها، لذا ربط دادن موضوعات مختلف و برگشت به عقب و وصل و ربط آنان به یک دیگر اشتباه و باعث گمراهی خواهد شد.

فیض، برکت، سلامتی و مشارکت روح القدس با فرزندان خدای پدر باد، در نام خداوند عیسی مسیح، آمین.

غلام خداوند عیسی مسیح: لوک رایان